

امید

زیباتر از جهان امید ای دوست
در عالم وجود، جهانی نیست
هر عرصه را بهار و خزانی هست
در عرصه امید، خزانی نیست
صد بار زهر یأس مرا می کشت
گر پادزهر من نشدی امید
در تیرگی رنج رهم بنمود
بس شام تیره تابش این خورشید
تا آن زمان که شهپر بوم مرگ
بر جایگاه من فکند سایه
در کارزار زندگی ام بادا
از جادوی امید بسی مایه

احسان طبری